

یکشنبه 09 جون 2019

مرجان کمال

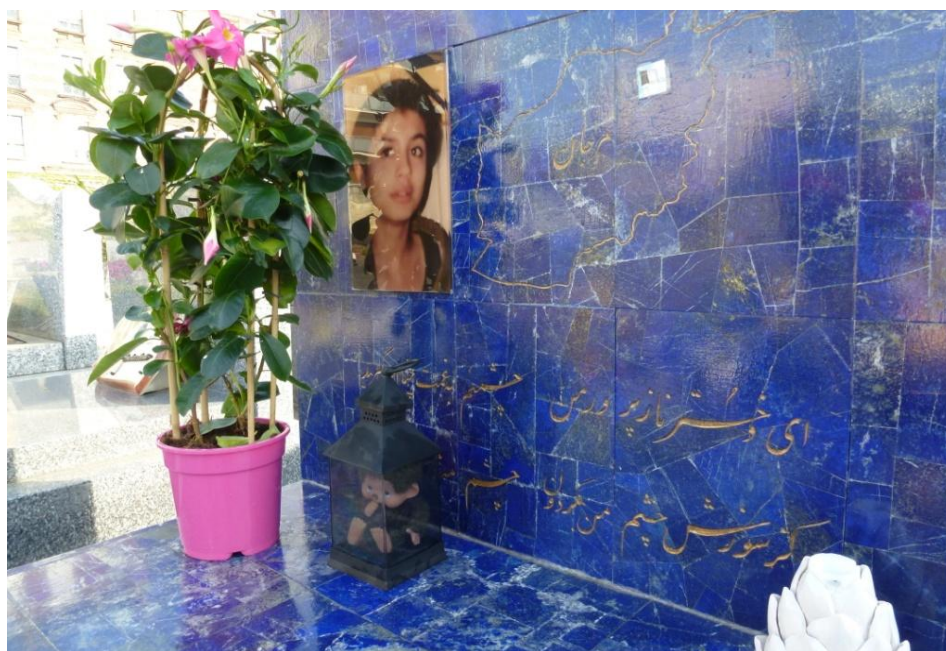
اسلام و اقتدار سیاسی

نویسنده: مرجان کمال به زبان فرانسوی

مترجم: فریده نوری

قسمت هشتم

در سوک تو ام ناله زعیوق گذر کرد داغ تو، دل سوخته را سوخته تر کرد
آهی که به یادت ز دل زار بر آمد از کوه گذر کرد و به افلاک اثر کرد



طرح یا پلان (Schéma) بسیج شدن مسلحانه قبایل

موجودیت یک سلسله مساجد جهت پیوند دادن فراخوانی و احضار به جهاد و استفاده از آن به حیث زیر بنا های لوژیستیکی برای فعالیت های دسته جمعی بسیار حیاتی بشمار می رود. وسعت حضور مردم در هنگام فراخوانی به جهاد و تشکیل یک اتحاد وسیع بازیگران توسط ملا مشک عالم ارتباط به موجودیت مدرسه وی در ولسوالی اندر ولایت غزنی که در آن از شاگردان (طالب های) چهار ولایت همجوار استقبال می نمود، می باشد.

مدرسه وی یک مکان شناسایی و فعالیت های بین البینی بین اعضای یک شبکه وسیع را بالای یک قلمرو وسیع نشان دهنده می باشد.

ملا عبد الغفور آخندزاده (متولد 1794 میلادی) از صوات، شیخ طریقت قادریه به سبب پرهیزگاری و تقوی و جهت درجه ارتقاء روحانیت وی قابل احترام زیاد، و دارای تأثیرات بسیار بزرگ در بین قبایل شرق بوده است.

با دادن فتوی، جهاد علیه انگلیس ها را مشروعیت قانونی داد، و از خانقای وی در دره صوات به حیث جبهه یا پایگاه عقبی استفاده و در آن اجتماع اعضای خلفیه ها، که در بین شان ملا نجم الدین مشهور به ملا بی هده (از منابع برتانیوی)، که توسط افغان ها هده صاحب نامیده می شد نیز حضور داشت، که ملا صاحب هده وظیفه این شبکه را در چند کیلو متری در جنوب شهر جلال آباد پیش می برد. و همچنین آخندزاده صاحب صوات دارای یک تعداد زیادی از خلفاء که سلسله فراخوانی جهاد را در تمام مناطق پیوند می دادند: مانند ملا حاجی اکبر، ملا فیض الله، ملا عبد الوهاب منکی، ملا حمزه الله و ملا سعد الله که به ملا مستان مشهور بود.

ملا صاحب هده در شروع قرن نوزدهم میلادی در غزنی متولد گردید، وی به زودی مرید آخندزاده صوات گردیده و به آموزش چهار طریقت (نقشبندیه، قادریه، چشتیه و سوهوردیه ، Naqshbandiyya , Qaderyya, Tchishtiyya, et Sohrawardiyya) پرداخت. وی در هده در جنوب شهر جلال آباد اقامت و به صفت پیر (Pir) در تمام مناطق سرحدی شناخته شده و ارشاداتش خیلی تأثیر گذار بوده است. در آن جا تهداب گذاری یک لنگر و مدرسه را می نماید و شاگردان زیاد (طالب ها) و مریدان زیاد داشته و از جمله چهره های مذهبی صاحب اقتدار افغانستان در اخیر قرن نوزدهم بشمار می رود. ملا صاحب هده در بین مریدانش دو حضرت (حضرت صاحب چهارباغ و حضرت صاحب بُتخاک) و سه سید (شیخ پاچا صاحب سلام پور، پاچا صاحب تیگاری، کجوری ملا صاحب و صوفی صاحب بتی کوت) شمولیت داشت، و خود ملا صاحب هده از جمله بهترین مریدان آخندزاده صاحب صوات در هر دو طرف سرحد بشمار می رفت.

اریکسن نیپستد (Erickson Nepstad) و کلیفورد (Clifford)، پیشنهاد به تحلیل و تشریح از لا به لای «مفهوم متحد شدن» یعنی یک لیدر شف یا رهبر عمده و اصلی، اشکال مختلف خصوصیت ها و مشخصه ها که اجازه به یک رهبر جامعه که متضمن مدیریت وظایف جنبش باشد دارا می باشد. این خصوصیت و مشخصه تابع ترکیبات مختلف می باشد و این ترکیبات نظر به

زمان های مختلف بسیج شدن متنوع بوده و در هنگام تصامیم قاطع و تعیین کننده بسیج شدن، هر سه کتگوری امکانات، که تشکیل دهندگان مؤثر و توانا را می سازند عبارت از: امکانات فرهنگی یا کلتوری، امکانات اجتماعی و امکانات سمبولیک یا معنوی می باشند.

حفظ و نگهداری، دوام و بسیج شدن در زمان، نشان دهنده برازندگی و شهرت ملا سرحدی می باشد که اقتدار خود را تحمیل و از یک جنبش اجتماعی حمایت و حفاظت نموده و قابلیت گرفتن مسؤلیت های بزرگ و مهم داشته، و در تعریف از اهداف و ستراتیژی، در بسیج نمودن اعضا و در تشکیل ائتلاف ها رول بازی می کند.

ملا مشک عالم مانند آخذزاده صاحب صوت و یا ملا صاحب هده به صورت خیلی برازنده تمام این وظایف را رهبری می کردند. امکانات فرهنگی و کلتوری برای شان اجازه تحریک و بسیج نمودن کتگوری های مختلف مردم را داده و سبب پخش وسعت دادن اعتراضات وسیع در بین جمعیت وسیع خارج از همه تفاوت های اقتصادی و اجتماعی گردیدند. مفهوم جهاد در حقیقت برای رهبران مذهبی یک وسیله بسیار قوی برای بسیج کردن می دهد. امتناع نمودن امام مسجد از بیان خطبه به وفاداری از فرامانروا سبب متحد شدن همه مردم می گردد.

قراری که نوید می نویسد، اعلان یک جهاد رهبری به یک تحرک و بسیج شدن قطعات وسیع مردم می نماید.

به قرار نوید:

«تمام قطعات اجتماع افغان، تمام گروپ های قومی با هم یک جا یک مقاومت مسلحانه را علیه اشغالگران برتانیوی تشکیل دادند».

امکانات اجتماعی (Capital social)، که همانا اهالی تشکیل دهنده جنبش می باشند با تشکیل نمودن شبکه های تبادلۀ معلومات و تشکیل دادن گروپ های مختلف، برای شان اجازه عملکرد را می دهد.

امکانات معنوی یا سمبولیک مستقیماً وابسته به داشتن شهرت و تصویر خوب پیر (Pir-s) های سرحدی می باشد که به احترام و عزت جنبش ها می افزاید.

ملا مشک عالم که به طریقت قادریه مربوط می باشد به همراهی طریقت نقشبندیه یکجا نشان دهنده و در عین زمان یک منبع اعتبار و حیثیت اجتماعی، برازندگی و قابلیت احترام زیاد بوده است. عضو بودن به یکی از این طریقت ها در بلند بردن جریان یا پروسوسوس شهرت و تصویر و برازندگی سهیم، و ضامن امکانات سمبولیک و معنوی می باشد. هر سه امکانات اجتماعی،

سمبولیک و کلتوری به صورت قطعی خلاصه شده به متعلق بودن به یک شبکه طریقت. مثال برجسته آن بسیج نمودن مردم توسط ملا مشک عالم نشان دهنده این است که چگونه وابستگی به یک شبکه طریقت، و چطور یک رهبر مذهبی را که به این سه کتگوری امکانات مجهز هستند، باعث بلند بردن مشروعیت و حقانیت شان می گردد و به همین طور قابلیت فراتر رفتن و همچنان توانایی و لیاقت یک پارچه نگه داشتن جمعیت را داشته تا از تقسیم بندی جلوگیری گردد در غیر آن یک مانع برای بسیج شدن می گردد.

شیخ های قادریه و مریدان شان یک رول قابل ملاحظه را در جنوب و در شرق افغانستان بازی می کنند و اکثریت آن ها توسط ارتباطات فامیلی با رهبران قبایلی صاحب اقتدار متوسل می باشند، و اکثراً رهبران قبایلی از نظریات شان مستفید می گردند.

اریکسن نپستد (Erickson Nepstad) و کلیفورد (Clifford) مشخص می نمایند، که اگر موجودیت این سه کتگوری امکانات در بین جنبش ها تفاوت های بسیار بزرگ و متنوع را تأیید نماید، امکان پیش بینی کردن فرضیه که به قرار آن بعضی از فعالیت های دسته جمعی یک موقعیت خیلی مهم در امکانات مدیریتی به دلیل شرایط کلتوری که در آن انکشاف می یابند، دارند. وی همچنان ملاحظه می نماید که بعضی از جنبش ها استعداد مشخص برای یکی از این امکانات دارند.

هر دو جنگ افغان و انگلیس به صورت برجسته نشان دهنده این است که بعد از این که اقتدار دولتی به شکست و ناکامی مواجه می شود رهبران مذهبی سبب برانگیختن جنبش های مقاومت نظر به داشتن امکانات که قبلاً ذکر گردید، می گردند.

جواب روحانیون به نتایج سیاسی وادار نمودن عزل دوست محمد خان توسط انگلیس ها، منشأ اقدام یک پلان تحرک و جنبش مسلحانه که توسط رهبران مذهبی گردید. این جنبش که بعد از اشغال کشور توسط انگلیس و بعد از گرفتن اقتدار توسط امیر عبدالرحمن خان با فعالیت های ملا مشک عالم و مریدانش و ملا صاحب هده ادامه پیدا نمود. و این رویداد های خشونت مسلحانه در ساحة سیاسی و اجتماعی نتایج بسیار با اهمیت دارند.

در حقیقت رهبران مذهبی به حیث بازیگران معترض به مقابل دولت نمایان می شوند. موجودیت زیادتر از نیم قرن از فعالیت های مذهبیون منتج به فراگیری توسط رهبران مذهبی و متحدین قبایلی شان سبب تشدید اقتدار در ساحة سیاسی و اجتماعی شان گردید.

از طرف دیگر نتیجه این رویداد ها که از استقرار جنبش های معترض در مبارزه علیه استعمار به دست آمده است نارضایتی و دشمنی در مقابل ممالک غربی می باشد.

به این ترتیب مفهوم جهاد مسلحانه ناقل حاکمیت و نفوذ ارزش ها می باشد، که مشخص شده توسط یک جنبش دفاعی بر علیه تهدید خارجی، و پیامد آن، موجب عدم پذیرش غرب، و قبول نکردن نوسازی و نوگرایی (modernisation) کشور گردیده و نوسازی را به صفت خیانت به ارزش های بومی، به دلیل واردات ماشین آلات و طریقه اداره و سرپرستی ساحة اجتماعی به ارتباط دنیای خارج می شمارند.

ادامه دارد